

درس های امروز کوچ تاریخی مریوان

نسان نودینیان



اسلامی تا سرنگونی، مخالفت با ناسیونالیسم و اسلام سیاسی و ارتجاع محلی و ضد انقلاب است.

بیش از چهار دهه از کوچ تاریخی مریوان میگذرد. با وجود این فاصله زمانی کوچ تاریخی مریوان در رسانه ها و میدیای اجتماعی و در میان جوانان کردستان قابل بررسی و کنکاش است. درسهای مهم کوچ تاریخی مریوان را مرور میکنیم.

دستاوردهایی که اهمیت وقایع مریوان (۲۳ تیرماه و کوچ تاریخی مریوان) را برجسته و ماندگار کرده است

در شروع نوشته گفتیم که وقایع مریوان (۲۳ تیرماه و کوچ تاریخی مریوان) مورد کنکاش و علاقه نسل جوان قرار گرفته. به باور من اهمیت این وقایع بعد از سپری شدن بیش از چهار دهه در ادامه درسهای و بویژه نقش شخصیتها و تجارب آن است. دلیل دیگر علاقه و کنکاش توسط جوانان درباره وقایع سالهای ۵۷،۵۸ در ادامه رادیکالیسم سیاسی در عرصه ضدیت و مخالفت با حکومت

صفحه ۲



پ. ک. و اسلام ناب محمدی

عبدال گلپریان

صفحه ۳

اخبار هفتگی کرونا در شهرهای کردستان و راههای مقابله با آن

یدی محمودی

صفحه ۴

اطلاعیه های کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

با اعتراض خود جلو اجرای حکم اعدام حسین عثمانی را بگیریم

صفحه ۴

مردم مبارز کردستان! مردم مبارز بانه! علیه احکام زندان، شلاق و جریمه نقدی فعالین مدنی توسط جمهوری اسلامی دست به اعتراض جمعی بزنید!

صفحه ۴

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

عزیزه لطفی

صفحه ۵

حمله به جعفر عظیم زاده در زندان محکوم است جان این فعال کارگری در خطر است

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۵

آزادشان کنید! سعید تمجیدی، امیرحسین مرادی و محمد رجبی باید فوراً آزاد شوند

حمید تقوائی

صفحه ۶

اینبار معترضین دیمه ۹۶ در خطر اعدام قرار دارند برخیزید و جلوی اعدام معترضین را بگیرید!

صفحه ۶

برای لغو عملی اعدام در ایران با ما همراه شوید!

کمیته بین المللی علیه اعدام

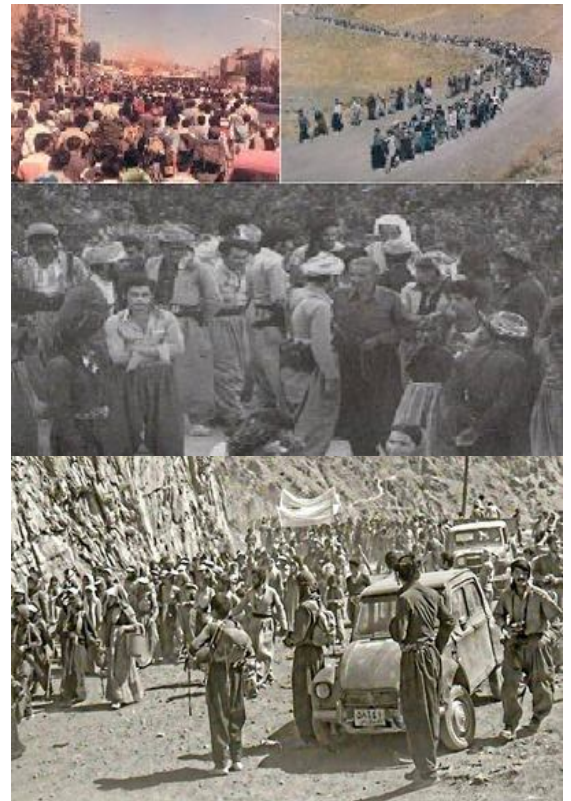
صفحه ۶

اطلاعیه های حزب ویژه اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

صفحه ۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ درس های امروز کوچ...



یک دستاورد مهم؛ ستاد حفاظت از شهر مریوان

به نظر من ایجاد ستاد حفاظت از شهر مریوان و اداره شهر مهمترین اقدام انقلابی در آن مقطع بود. این ستاد وظیفه حفظ امنیت از شهر مریوان را اساسا بهعهده داشت. قدرت حفظ بسیج شهر را داشت. عملا نیروی توده ای و شهری حفاظت از شهر بود. شهروندان ساکن مریوان و مهمانان (از هر ملیت و زبانی و کشوری) با ثبت نام در این ستاد هرکدام به مدت چند ساعت مسلحانه در پستهای حفاظتی و دیده بانی داوطلبانه شرکت میکردند. بخش عمده و نزدیک به نود درصد مهمات و اسلحه های این ستاد توسط فرماندهی ستاد از ارتش مستقر در پادگان مریوان گرفته شد.

ستاد ضمن حفاظت امنیتی از شهر تناسب قوای مردم، ارگان و نهادهای انقلابی از جمله شورای شهر را با قطب ارتجاع محلی و ضد انقلاب اسلامی (فئودالها و مکتب قرآن) را به نفع دفاع و حفظ دستاوردهای دموکراتیک انقلاب و مردم را بهعهده داشت.

بدست گرفتن تجربه ستاد حفاظت از شهر و سازماندهی این

حفاظت، نیروی مسلح حرفه ای نیست. «نیروی میلیس شوراها» مردم، مبتنی بر آموزش نظامی عمومی و شرکت همگانی در وظایف انتظامی و دفاعی» است، که «جایگزین ارتش حرفه ای و مافوق مردم میشود».

نقطه قدرتهای ما در شرایط کنونی زیادند. رشد جمعیت شهرها و بمیدان آمدن نسل نوننی از زنان و مردان جوان درعرصه سیاست و به میدان آمدن میدیای اجتماعی و رسانه های خبری و سیاسی (تلویزیون و ماهواره) قدرت مانور مردم آزادیخواه برای دخالت در تحولات به نفع احزاب کمونیستی را فراهم کرده است. صف آرایی و شیوه دخالت به نسبت چهاردهه گذشته کاملا عوض شده است. امروز فعالین سیاسی و کارگران و رهبران کارگری و زنان تجربه متشکل شدن و متشکل کردن جامعه را دارند. امروز سخنگویان سیاسی جامعه یا لیدرهای اجتماعی دارای نفوذ و اعتبار توده ای هستند.

در کردستان ما شاهد عروج صدها نفر از فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی هستیم که سخنگو و رهبر جامعه هستند و مورد اعتماد و باور مردم هستند. اینها محصول ۴ دهه بدست گرفتن مبارزه و پیگیری در ایجاد نهادهای کارگری، اجتماعی و مدنی هستند. حضور و وجود اینها یکی از نقطه قدرتهای ایندوره در کردستان است. نقطه قدرتی که میتوانند تناسب قوا و عرصه مبارزه را به نفع منافع طبقاتی کارگران، زنان و کل جامعه را تغییر و مبشر یک دنیای بهتر و زندگی انسانی باشند. که مدافع و مبشر کانونهای ممانعت از سناریوی سیاه و ممانعت از بقدرت رسیدن احزاب بورژوازی و ناسیونالیست و ارتجاعی باشند.

اما امروز ما در شرایطی در اهمیت ۲۳ تیرماه ۵۸ و کوچ تاریخی مردم مریوان (۳۰ تیر ۱۳۵۸) تاکید میکنیم که جامعه ایران در پیر الهتباترین موقعیت مبارزاتی و اعتراضی خود قرار دارد. شعار نابود باد جمهوری اسلامی و سرنگونی، به خواست اصلی میلیونها نفر در ایران و کردستان تبدیل شده است. مردم در خیابانها هستند. اعتصاب و تجمع و راه پیمایی در اشکال وسیع و

پردامنه ای بدست گرفته شده است. مردم جمهوری اسلامی و حاکمیت اسلامی سرمایه را نمیخواهند. امروز در شرایطی بر این تجربه مهم توده ای و ارگان انقلابی مسلح تاکید میکنیم که در خیزش و اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان و دی ماه ۹۸ ما شاهد کنترل محلات به مدت چند ساعت در سنندج و مریوان بوده ایم.

و با تاکید مجدد در شرایطی بر استفاده از این تجربه های کارساز و موثر تاکید میکنیم، که جامعه ایران دستخوش تحولات انقلابی و شروع خیزشهای توده ای در ادامه اعتراضات آبان و دی ماه ۹۸ است. آماده بودن ما و نقشه عمل ما برای ایجاد شوراها و اعتراضی در محلات و شهرها در شرایط کنونی امری عاجل و ضروری است. در ادامه به مهمترین فاکتورها برای درک روشن از دستاوردها و نتایج کوچ تاریخی مردم شهر مریوان میپردازم؛

"نه" بزرگ به جمهوری اسلامی؛ در روز ۱۲ فروردین ۵۸ مردم کردستان با جواب "نه" به استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی اولین گامهای مخالفت با ضد انقلاب اسلامی را اعلام کردند.

ناکامی حکومت اسلامی برای استقرار در مریوان

با اعلام "نه" بزرگ مردم در ۱۲ فروردین ۵۸، ارتجاع محلی (فئودالها) و مزدوران جمهوری اسلامی با همکاری مکتب قرآنی ها، در قرارگاهی در نزدیکی رادیو تلویزیون مریوان مستقر شدند. (ساختمانهای حوالی اداره ساواک رژیم پهلوی) استقرار نیروهای مزدور محلی و طرفداران احمد مفتی زاده به منظور در دست گرفتن کنترل شهر مریوان و سرکوب و ترور کمونیستها و مبارزین انقلابی بود. که در ۲۳ تیرماه و با حمله مبارزین و تظاهر کنندگان به این محل، این تلاش ارتجاعی ناکام و شهر مریوان از حضور مزدوران محلی پاکسازی شد.

۲۳ تیرماه ۵۸

در روز ۲۳ تیرماه، اتحادیه دهقانان مریوان، تجمع بزرگ هشت هزار نفری را مقابل ساختمان رادیو و تلویزیون این شهر در اعتراض به

پروپاگاندا منفی جمهوری اسلامی علیه کردستان برگزار کردند. در مسیر بازگشت، حوالی ساختمان ساواک سابق که پس از انقلاب به دست اعضای مکتب قرآن افتاده بود. اعضای این مکتب با سنگرینی در پشتبام به تیراندازی به سمت مردم پرداختند. (سخنگوی سپاه پاسداران تهران مرکز مکتب قرآن را مقرر سپاه معرفی کرده بود).

تجربه اعمال حاکمیت و قدرت شورایی مردم

۲۳ تیرماه ۵۸ و کوچ تاریخی مردم مریوان در شرایطی شکل گرفت که در کردستان ده ها نهاد انقلابی مدنی و مسلح به ابتکار کمونیستها و انقلابیون سازماندهی شده بودند. در شهر مریوان شورای شهر مریوان، اتحادیه دهقانان، کمیته زنان، کانون محصلان از جمله این نهادهای مردمی و مبارزاتی بودند. این قطب انقلابی که دربرگیرنده هزاران نفر از زنان و مردان ساکن شهر و روستاهای دور و نزدیک بود، در تلاشی آگاهانه برای اعمال حاکمیت توده ای مردم متکی بر اراده و رای عمومی (شوراها) شهر و روستا، اولین تجارب دستاوردهای شریط دموکراتیک و باز سیاسی بدون حضور نیروهای سرکوبگر را تجربه کردیم.

ناکامی ارتجاع محلی

با ایجاد شوراها و محلات و شهر و حاکمیت توده ای و حضور فعال مردم درمیدانهای مبارزه سیاسی، جبهه (قطب) ارتجاع محلی فئودالها، مزدوران "جوانمرد" محلی عوامل بازمانده از حکومت پهلوی، سلفی های مذهبی و زرفداران احمد مفتی زاده (مکتب قرآن) و قبیاده موقت (حزب دمکرات کردستان عراق) منزوی و در حاشیه قرار گرفتند. ارتجاع و ضد انقلاب بدون سنگر شد. مردم تحت هژمونی بنکه های محلات و شورای شهر و ستاد نظامی شهر بودند. قدرت مانور ضد انقلاب اسلامی، مکتب قرآن و فئودالها محدود و اثری از آنها در شهر نمانده بود. ناکامی ارتجاع محلی گام مهمی در تقویت مبارزات رادیکال مردم، چپ و کمونیسم بود.

۷ مرداد ۱۳۹۹

۲۸ ژانویه ۲۰۲۰

پ. ک. ک و اسلام ناب محمدی

اخیرا پیامی از سوی "ک ج ک" بمناسبت مردن یکی از شیخهای مرتجع منطقه بنام "محمد عبدالکریم کسنزانی" منتشر شده است که فلسفه و ایدئولوژی "کنفدرالیسم دموکراتیک آبیوسم" را در مواضع این جریان بخوبی نشان میدهد. ابتدا به این پیام نگاهی بیاندازیم و اعتقاد و باور اسلامی - علوی اوجان را در پیام به "کنگره علوی ها" در کنار هم قرار دهیم تا چفت شدن این پازل را بخوبی دریابیم.

"پیام ک.ج.ک به مناسبت درگذشت شیخ محمد عبدالکریم کسنزانی. کمیته ادیان و باورمندیهای ک.ج.ک به مناسبت وفات شیخ محمد عبدالکریم کسنزانی بیانیه ای منتشر کرد.

خبرگزاری فرات جمعه ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۰، ۱۰:۳۸ در پیام تسلیت کمیته ادیان و باورمندیهای کنفدرالیسم جوامع کوردستان (ک.ج.ک) آمده است: "قبل از هر چیز مراتب تسلیت خود را به خانواده گرامی و رهبران عزیز شیخ اعلام میداریم، خانواده گرامی ایشان و جامعه طریقت قادری سلامت باشند، خداوند روح شیخ را قرین رحمت کند و جایشان بهشت باشد."

در بیانیه آمده است: "به نمایندگی از جنبشمان بر این باوریم که در جوهر طریقتها تلاش برای تکوین ارزشهای دموکراتیک دین اسلام، معیارهای حقوق و عدالت، مفهوم اخلاقی همکاری و حمایت از جامعه وجود دارد. یکی از گامهای اساسی طریقتها این است که اسلامی محمدی را به شیوهای ناب به مسلمانان نشان دهد، علیه ظلم و ستم ایستادگی کند. طریقت قادری در این راستا اولین طریقت به شمار می آید. طریقت قادری به سبب اینکه از سوی عالمان و دانایان کورد در کوردستان آغاز شده است برای ما واجد ارزش است". کمیته باورمندیهای ک.ج.ک در ادامه بیانیه از رهبران طریقت قادری دعوت به عمل آورده است تا فعالانه در روند اتحاد ملی خلق کورد جای گیرند و از مبارزه آزادیخواهی خلق کورد حمایت مادی و معنوی به عمل آورند."

همانطور که در این پیام ملاحظه شد، بخوبی گویا است که پ. ک. ک. نه بعنوان جریانی و در یک رابطه با سازمان یا فرقه ای دیگر چنین پیامی داده باشد بلکه تعلق خاطر خود به اسلام ناب محمدی (شاخه علوی آن) را توضیح داده است. به همین منظور کمیته ای هم تحت نام، "کمیته باورمندیهای ک.ج.ک" را نیز برای این امر راه اندازی کرده است. کلمه به کلمه این پیام مملو از اعتقاد عمیق پ. ک. ک. به اسلام ناب محمدی و شاخه علوی آن که در پیام اوجان است را نشان میدهد. باور پ. ک. ک. به اسلام (از نوع اورژینال و شاخه علوی اش) ابا چیز تازه ای نیست. همه احزاب ناسیولیست بطور عام و احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد بطور خاص، معتقد و پایبند به مذهب و اسلام نوع سنی، شیعی، علوی، زرتشتی، شافعی، حنفی و الا آخر آن هستند. ناسیونالیسم و مذهب دو رکن اساسی و پایه ای در میان احزاب ناسیونالیست است. این را اکنون دیگر خودشان هم نه تنها باورهای ارتجاع اسلامی را انکار نمیکند بلکه به داشتن این اعتقادات هم افتخار میکنند.

اوجان در بخشی از پیامش به "کنگره علوی ها" در ماه مه ۲۰۱۳ میگوید:

"علویها نیاز مبرمی به نوسازی و مقاومت عظیم دارند. به همین خاطر باید از سنت تاریخی جم خانه صاحبداری کنند. سنت ذکر و سماع یک مقاومت عظیم است. ذکر انقلابی گری است." اوجان میگوید، "از نظر من «سماع» همچو راهپیمایی گریلا است. ما در سماع خانها گشتیم و ذکر کردیم. آن را تعالی بخشیدیم. به سیاست پرداختیم. من مدام گفته ام که باید به اندازه جوهر آن، شکل آن را هم درک کرد."

اوجان در بخش دیگری از این پیام میگوید:

"بله؛ ما جنبشی کربلایی هستیم که در عین حال دارای مسئولیتی تاریخی هستیم که از تکرار کربلاها جلوگیری کنیم. دشمنان وحشیانه آمدند و علویان را فرودست ساختند. علویها اساسا همان حسینیان تحت ستم یزیدها، زرتشتیان تحت ستم

اسلام پرستان و کردها و کمونیست های تحت ظلم کمالیست ها می باشند. چنانچه علویان بر این مسایل اشراف داشته و حساسیتی جدی نشان دهند، آنگاه کربلا تکرار نخواهد شد و می توانند خود را بطور کامل از این ستم تاریخی نجات دهند. در تاریخ، سنت های درویشی علویان و سنت زرتشتی وجود دارند. باید امروزه ما هم همانند آنها عمیقا بیاندیشیم. در غیر این صورت همانند آنچه در تاریخ روی داد، به احتمال زیاد اوضاع وخیم شود. امروزه بخوبی دانسته می شود که جمخانه، ذکر و سماع، جوهری و عامل پیروزی مبارزه هستند. سازماندهی اتحاد علویان کردستان بسیار مهم است. پیروانی که می توانند جم خانه و سماع خانه را بخوبی مدیریت کنند، می توانند خود را سازماندهی نمایند. من بطور ویژه به جم خانه و سماع اهمیت می دهم. می توانم بگویم که جنبش ما هم بسیار به مفهوم جم خانه و سماع نزدیک است. چیزی شبیه «جم» است. چه بسا جم به معنای «گردهمایی» است. سماع هم حرکت سحرگونه آن است. معنای جوهری سماع هم چنان است. من هم می خواهم که همگان حرمت جم، سماع و ذکر را پاس دارند و ضروریات آن را بجای آورند. جنبش پ.ک.ک، درواقع حرکتی نوین از جنس جم، ذکر و سماع است."

پهن کردن بساط اسلام علوی اوجان بعنوان شاخه ای از تشیع و لائسه کردن آن توسط پ. ک. ک. را باید در افق، ایدئولوژی و فلسفه وجودی این جریان جستجو کرد. رژه طرفداران پ.ک.ک با بنر اوجان در کنار تصاویر امامان شیعه، حسن و علی، تکمیل کننده "کنفدرالیسم دموکراتیک اسلامی" این جریان است.

احزاب وجناحهای رقیب پ. ک.ک در حکومت اقلیم، و قتیکه طرفداران شیخ کسنزانی همانند لشکر اسلام ناب محمدی در این شرایط کرونایی از مرز عبور کرده و به کردستان عراق سرازیر شدند، نه تنها هیچگونه ممانعتی در مقابل آنان ایجاد نکردند بلکه از وکیل و وزیر و سران احزاب حاکم بر کردستان عراق، امکانات لازم را برای استقبال از این فرقه ارتجاعی مهیا و پیامهای همدردی صادر کردند. این

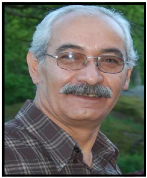
هجوم لشکر اسلام و عبور از مرز در حالی است که کولبران برای عبور از مرز برای تهیه لقمه نانی جان میدهند، در حالی است که کارگر مهاجر در آنسوی مرز برای تامین معیشت خانواده روزها در صف انتظار برای اجازه عبور خودخوری میکند.

برای پ. ک. ک. و شاخه ایرانی اش پژاک نیز، مسئله فرات از آنچه است که کاربدستان و احزاب حاکم بر اقلیم کردستان عراق از خود بروز میدهند. ایدئولوژی این جریان در قبال اسلام و شاخه علوی آن بعنوان پیرو و مرید علی، حسن و حسین در چهارچوب طرح و برنامه موسوم به "کنفدرالیسم جوامع دموکراتیک" فلسفه وجودی پ.ک.ک را توضیح میدهد. اطلاق پست مدرنیسم به پ.ک.ک از سر این جریان زیادی است. ارتجاع ناب شاید واژه درخوری برای پ.ک.ک باشد.

پیشتر در نوشته ای در دو بخش تحت عنوان، "آب در خوابگاه مورچگان"، برنامه پ. ک. ک. و پژاک را بر اساس تئوریهایی ذهنی اوجان اشاره کرده ام. بر اساس این طرح که کاری به ساختار حاکم یعنی دولت ندارد، بیان شده است که در هر شهر، محل و کوره دهی میتوان مردم منتسب به مذاهب، باورها و نژاد و غیره را با نام "کنفدرالیسم" دور هم جمع کرد و "خودمدیریتی" را بدون دست بردن به ساختار حکومت براه انداخت. تعلق پ. ک. ک. به اسلام ناب محمدی و شاخه علوی آن و درآمیختن آن به مردم کرد زبان، همزادی این جریان را با اسلام، و از نظر سیاسی همزیستی آنرا در همکاری با حکومت اسلامی بیان میکند. فتوای خمینی مبنی بر مسلمان شمردن شاخه علوی، همکاری تاریخی حکومت اسلامی با پ.ک.ک را در سطحی که امروز مشاهده میکنیم میتوان برشمرد.

اکنون سؤال این است که آیا احزاب ناسیونالیست کرد بطور عام و پ. ک. ک. و شاخه هایش بطور خاص میتوانند این افق ارتجاعی را به مردم کردستان تحمیل کنند؟ پاسخ من به این سؤال بطور یقین و قاطع منفی است. چرا پاسخ منفی است؟

در دومین دهه از قرن بیست و یک که دولتها و احزاب مذهبی، راست و ناسیونالیست دنیا را به لجن



عبدل گلپریان

کشیده اند، نه تنها در ایران، کردستان و منطقه خاورمیانه بلکه در ابعاد جهانی آرمانها و آرزوهای عمیقا انسانی ملاک و شاخص اصلی در جدال بین جامعه و طبقات حاکم و تمامی نیروهای مرتجع قابل سنجش و ارزیابی است نه طرح، برنامه و طراوشات ذهنی و عقب مانده این جریانات. سازمان مجاهدین که حکومت اسلامی از ابتدای بقدرت رسیدنش آنرا از خود دفع کرد نمونه بسیار روشنی در رابطه با اوضاع و تحولات سیاسی کنونی در ایران است. در حالیکه بقدمت چهار دهه مردم علیه ارتجاع اسلامی خمینی و میراث دارانش جنگیده اند تا یک زندگی و جامعه ای انسانی، مدرن و سکولار را متحقق کنند، سازمان مجاهدین با همان فلسفه، ایدئولوژی و سبک و سنت اسلامی، کمترین شانس برای کسب قدرت در یک محله تهران را هم ندارد. در همین قیاس مردم کردستان نیز برای زدودن تمامی شائبه های اسلامی و عقب مانده بر فضای زندگی خود جنگیده اند. سنت و پیشینه دارند و چهل سال قبل توانستند بساط مکتب قران و سپاه رزگاری را جمع کنند. بارها پوزه ارتجاع محلی و ناسیونالیسم را بخاک مالیده اند. جامعه ای انسانی، یک زندگی شایسته انسان امروز افق و آرمان مردم در شهرهای کردستان و در کل منطقه است. مردم چه در ایران، عراق ترکیه، لبنان، سوریه و در کل منطقه زخم و شلاق ارتجاع اسلامی (شیعه، سنی و داعش) و ناسیونالیسم قومی عشیره ای و طایفه ای را بر تن خود لمس و تجربه کرده اند. این مردم و جنبشهای اجتماعی و در راس آنها جنبش طبقه کارگر به چیزی جز دست یابی به یک زندگی مرفه، سکولار، امن، آزاد و برابر که نامش جامعه ای انسانی و سوسیالیستی است رضایت نخواهند داد.

اخبار هفتگی کرونا در شهرهای کردستان و راههای مقابله با آن



یدی محمودی

اوج گیری کرونا در شهرهای کردستان و دروغ و بی مسئولیتی حکومت هر دو یکجا روزانه از مردم قربانی می گیرد. بر اساس آمارهای رسمی اعلام شده دانشگاه علوم پزشکی کردستان بین روزهای دوم تا هفتم مرداد ماه ۷۴۴ مورد بیمار مشکوک به کرونا در شهرهای کردستان بستری شده اند، این آمار کذائی حکومتیان می افزاید که در همین مدت ۱۰۶ بیمار جدید شناسائی شده و در همه گزارشها شهر سنج بیشترین آمار را به خود اختصاص داده است.

آمار جانباختگان کرونا هم تا روز سه شنبه هفتم مرداد ماه چنین است، سنج ۱۳۴ نفر، سقز ۷۷ نفر، کامیاران ۳۸ نفر، قروه ۳۳ نفر، بانه ۳۰ نفر، دیواندره ۳۰ نفر، مریوان ۲۳ نفر، دهگلان ۱۰ نفر.

همچنین آخرین خبرها حاکیست که هم اکنون ۵۱ نفر در بخش ای سی یو بیمارستانها بستری هستند. آمار و ارقام حکومتیان بر همگان روشن است، آنها نه تنها آمار واقعی را منتشر نمی کنند، بلکه در ماههای گذشته بارها و بارها کادر درمانی بیمارستانها را تهدید و بازداشت کرده اند که نباید آمار واقعی کرونا را منتشر کنند، نه تنها این بلکه مقامات حکومت و دانشگاه علوم پزشکی کردستان که مسئولیت سر هم بندی کردن آمارهای دروغین حکومت را بعهده دارد، در هیچ کجای آمار کذائیشان به رقم نزدیک به دویست هزار نفری که قرنطینه خانگی شده اند اشاره نمی کند و اصولا از آمارهای این مرکز دروغ و ریا بحساب نمی آید.

همچنین برخلاف بسیاری از کشورهای دنیا که الان تست کرونا در سریعترین وقت ممکن انجام می شود، اما در ایران و شهرهای کردستان هنوز هم اکثریت مردم از نبود مراکز بهداشتی برای تست کرونا محرومند و این وضعیت قطعاً نه تنها بر گسترش روز افزون بیماری کرونا می افزاید بلکه یک

عامل دیگری است برای پی نبرد به آمار واقعی کرونا.

حکومت کرونایی و مقامات دزد و چپاولگرش می گویند، "امکانات کافی برای مبارزه با کرونا ندارند"، اما در همین شرایط کرونا، این جانین برای بقای عمر ننگین خود تمامی دم و دستگاههای سرکوبشان بدون وقفه کار می کند تا مردم معترض و خشمگین را از تعرض به این بنای قتل و آدمکشی باز دارند. حکومت اسلامی همین هفته و روز پنج شنبه دوم مرداد ماه ده نفر از فعالین مدنی و مدافعین کولبران در شهر بانه که دو سال پیش در تظاهراتهای اعتراض به کشتار کولبران شرکت کرده بودند را به ۳۰ ماه زندان، ۲۵۰ میلیون تومان جریمه نقدی و ۲۵۰ ضربه شلاق مورد احکام قرون وسطی و وحشیانه این رژیم قرار گرفتند. برای خلاصی از کرونا و حکومت کرونای اسلامی، همچنانکه در این ستون بارها تاکید کرده ام، راهی نیست جز مبارزه قاطع و همه جانبه با حکومت اسلامی، حکومت اسلامی مسئول مستقیم گسترش کرونا است. حکومت اسلامی مسئول مستقیم تامین معیشت مردم است و باید برای این خواست بحق و فوری خود به میدان آمد و حکومت و مقاماتش را تحت فشار قرار داد.

Yadi.mahmodi@gmail.com
Telegram: @YadiNar

با اعتراض خود جلو اجرای حکم اعدام حسین عثمانی را بگیریم



بنا به اخبار منتشر شده، دستگاه آدمکشی حکومت اسلامی میخواهد حسین عثمانی را اعدام کند.

چهار سال بعد از انفجاری که در شهریور ماه سال ۸۹ در شهر مهاباد روی داده بود، دیاکو رسولزاده و صابر شیخ عبدالله به همراه حسین عثمانی بازداشت شدند. این سه نفر به اتهام «محاربه» در بمبگذاری، از سوی شعبه یک دادگاه انقلاب اسلامی مهاباد به ریاست قاضی احمد جوادی کیا به اعدام محکوم شده بودند. این حکم برای رسیدگی مجدد به شعبه اول دادگاه انقلاب ارومیه ارسال شد. این دادگاه نیز برای دومین بار صابر شیخ عبدالله و دیاکو مرادی را به اعدام محکوم کرد. به گزارش نهادهای حقوق بشری، این سه زندانی به مدت یک سال در بازداشتگاه اداره اطلاعات برای شرکت در بمبگذاری شهر مهاباد تحت فشار و شکنجه قرار گرفته بودند و در نهایت هر سه نفر را وادار به انجام اعترافات تلویزیونی کردند. متأسفانه حکم اعدام صابر شیخ عبدالله و دیاکو رسولزاده، روز ۲۴ تیر اجرا شد.

حکم اعدام حسین عثمانی در دی ماه ۹۵ لغو و او به ۳۰ سال زندان محکوم شد اما اکنون مجدداً اخباری مبنی بر اجرای حکم اعدام حسین عثمانی منتشر شده است.

باید با تمام قدرت در مقابل اعدام ها و علیه توحش حکومت

اسلامی اعتراض سازمان داد. رژیم هار اسلامی در مخصه گیر کرده است. تنها حربه دستانش برای بقا، طناب دار، زندان و کشتار است. عقب رانده شدن حکومت اسلامی توسط جنبش میلیونی علیه اعدام و توقف موقت اجرای حکم اعدام سه جوان معترض آبان طی روزهای اخیر، کاربدستان مفلوک و زخم خورده اسلامی را بر آن داشته است که در نقطه ای دیگر به تلافی شکستشان بپردازند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری از همه مردم آزاده و مدافعان حق حیات انسانی میخواهد که به هر شکلی که میتوانند به این توحش اسلامی اعتراض کنند. نباید اجازه داد که جنایتکاران اسلامی حاکم بر ایران حسین عثمانی و دیگر محکومین به اعدام را پای طناب دار ببرند.

سرنگون باد حکومت اسلامی
کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱ مرداد ۱۳۹۹
۲۲ ژوئیه ۲۰۲۰

اعدام بپاخته اند، نباید بگذاریم فعالین اجتماعی و مدنی را به زندان بفرستند، جریمه کنند و عمل وحشیانه شلاق را انجام دهند.

با مبارزه متحدانه، با به میدان آمدن خانواده های محکومین و مردم در بانه علیه جهنمی که حکومت اسلامی بوجود آورده است بمیدان بیاییم.

نابود باد حکومت اسلامی
کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۳ مرداد ۱۳۹۹
۲۴ ژوئیه ۲۰۲۰

مردم شهرهای کردستان و بانه را به اعتراض و دشمنی آشکار حکومت اسلامی علیه فعالین مدنی و کولبران، فرا می خواند. و از تمامی مردم آزادخواه و برابری طلب میخواهد که نسبت به این درنده خویی حکومت اسلامی اعتراض کنند. نباید اجازه داد بیش از این فعالین اجتماعی و مدنی به دلیل دفاع از کولبران دستگیر و مورد محاکمه قرار گیرند. باید علیه عمل وحشیانه شلاق با تمام نیرو ایستاد.

در شرایطی که مردم در سطح وسیع علیه زندان و دستگیری و

مردم مبارز کردستان! مردم مبارز بانه! علیه احکام زندان، شلاق و جریمه نقدی فعالین مدنی توسط جمهوری اسلامی دست به اعتراض جمعی بزنید!

سوی دادرسی عمومی این شهر به اتهام شرکت در اعتراضات شهریور ماه سال ۹۷ مردم بانه در اعتراض به کشتار کولبران مجموعاً به ۳۰ ماه حبس، ۲۵۰ ضربه شلاق و پرداخت ۲۵۰ میلیون تومان جریمه محکوم شده اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری احکام صادر شده توسط حکومت اسلامی را محکوم میکند.



محمود زاده ۶. شهرام صالحی ۷. آگام احمدی ۸. عزت احمدی ۹. مهدی ارخوانی ۱۰. رییوار صالحی (از فعالین مدنی شهرستان بانه از

روز پنجشنبه ۲ مرداد ۹۹ (۲۳ ژوئیه ۲۰۲۰)، ده نفر (۱. محسن قادری ۲. سردار امین پور ۳. یاسین عثمانی ۴. برزان رحیمی ۵. آزاد

حمله به جعفر عظیم زاده در زندان محکوم است جان این فعال کارگری در خطر است



این فعال سرشناس کارگری است. جمهوری اسلامی، که علیرغم ۴۱ سال سرکوب و حبس فعالین و رهبران جنبش کارگری موفق نشده است جلوی مبارزات حق طلبانه کارگران را بگیرد، تلاش می کند به شیوه ای مافیائی با اجیر کردن عواملی از میان زندانیان خطرناک، به فعالین کارگری و سیاسی در بند آسیب رسانده و حتی اگر بتواند آنها را به قتل برساند.

حزب کمونیست کارگری حمله به جعفر عظیم زاده در زندان توسط عوامل اجیر شده جمهوری اسلامی و نگهداری زندانیان خطرناک در کنار سایر زندانیان را بشدت محکوم می کند. مسئولیت حفاظت از جان و تضمین ایمنی جعفر عظیم زاده و کلیه فعالین کارگری و سیاسی زندانی مستقیماً متوجه این حکومت، قوه قضائیه و مسئولین زندان های جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی باید بداند که این توطئه های جنایتکارانه علیه این فعال کارگری یا هر زندانی سیاسی و عقیدتی دیگر، کمکی به حکومت در حال احتضار برای ساکت کردن زندانیان سیاسی و کارگران و مردم معترض نخواهد کرد. خشم و نفرت بیشتری را علیه حکومت دامن خواهد زد.

جعفر عظیم زاده و همه فعالین و رهبران کارگری زندانی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند و مادم که هنوز در زندان به سر میبرند هرگونه توطئه و تهدید جانی علیه آنها باید پایان یابد و امنیت آنان تضمین گردد!

حزب کمونیست کارگری ایران
۷ مرداد ۱۳۹۹
۲۸ جولای ۲۰۲۰

میسر است. در این میان به هیچ نیرویی که ذره ای به اسلام این مکتب ضدانسانی و زن ستیز، و نیروهای اسلامگرا تخفیف قائل شود نباید اعتماد کرد.

شیرین شمس

بنابر اطلاعیه منتشر شده از طرف اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز یکشنبه ۵ مرداد، جعفر عظیم زاده، رئیس هیات مدیره این اتحادیه، مورد ضرب و شتم دو زندانی عادی در زندان اوین قرار گرفته است. بنابر این گزارش، حمله اول ساعت ۱۱ صبح داخل بند ۸ از سوی یک زندانی که قبل از این اتفاق جعفر عظیم زاده هیچ برخوردی با او نداشته است صورت گرفته است. حمله دوم حوالی غروب همانروز از سوی یک زندانی دیگر از بندی دیگر در محیط هواخوری زندان رخ داده است. طبق گزارش اتحادیه آزاد، در هیچیک از این حملات، مسئولین زندان عکس العملی از خود مبنی بر حفاظت از جعفر عظیم زاده و یا برخورد با ضاربین نشان نداده اند.

اتحادیه آزاد کارگران همچنین در گزارشی تکمیلی روز گذشته اعلام کرده است که ضارب صبح روز یکشنبه، که خود را "وابسته سابق به یکی از نهادهای امنیتی" معرفی کرده است، روز دوشنبه ۶ مرداد در حضور مسئولین زندان و تعدادی از زندانیان سیاسی در بند هشت بار دیگر به جعفر عظیم زاده فحاشی کرده و او را تهدید به قتل کرده است. در اینمورد نیز مسئولین زندان هیچ برخوردی نسبت به این شخص انجام نداده اند.

بنابر این گزارش، در اعتراض به این حملات، جمعی از زندانیان سیاسی و غیر سیاسی روز یکشنبه در افسر نگهداری حضور یافته و خواهان رسیدگی فوری به این مساله شده اند. همچنین، جمعی از زندانیان سیاسی صبح روز دوشنبه با حضور در دفتر ریاست بند اعتراض خود را بیان داشته اند.

وقوع دو حمله طی یک روز علیه جعفر عظیم زاده و تهدید به قتل او و امتناع مسئولین زندان از برخورد با ضاربین و تضمین ایمنی او، طرح سازمانیافته نهادهای امنیتی علیه

اردغان و جمهوری اسلامی و دیگر جریانات برآمده از جنبش اسلام سیاسی یک سرنوشت دارند. برای تغییر این سرنوشت تلخ باید این جریانات را از قدرت سیاسی به پایین کشید و هر جای دنیا مانع دستیابی جریانات اسلامی به قدرت سیاسی شد. این امر فقط و فقط بدست نیروهای انقلابی، پیشرو و سکولار و آزادیخواه و برابری طلب

این زندانی سیاسی پس از ۳۹ روز، سهیلا حجاب، زندانی سیاسی محبوس در زندان قرچک ورامین پس از ۳۹ روز به اعتصاب غذای خود پایان داد. برپایه گزارش رسیده به سازمان حقوق بشری هنگا، روز جمعه ۳ مرداد ۹۹ (۲۴ ژوئیه ۲۰۲۰)، سهیلا حجاب، وکیل زندانی محبوس در زندان قرچک ورامین پس از ۳۹ روز و موافقت با بخشی از خواست هایش از جمله آزادی خواهر و برادرش، به اعتصاب غذای خود پایان داده است. یک منبع از داخل زندان به هنگا اعلام کرد که، روز جمعه حدود ۲۵ نفر از نیروهای امنیتی وابسته به وزارت اطلاعات با سهیلا حجاب دیدار و از وی خواستند که به اعتصاب خود پایان دهد. سهیلا نیز پایان اعتصاب غذای خود را مشروط به آزادی خواهر و برادرش کرده بود.

قتل فجیع بینار، زیر چتر دولت اسلامگرای اردغان

مردسالاری همچنان همه جای دنیا هست؛ متأسفانه! ولی چه چیزی دوز آنرا کم و زیاد میکند، چه چیزی دست آنرا می بندد، یا چه چیزی دست آنرا باز میگذارد برای اعمال برتری بر زن، برای اعمال خشونت های فیزیکی و روحی و روانی تا جایی همچون گرفتن جان و حیات زن، چیزی نیست جز قوانین حاکم و نقش دولت. زن جوان ۲۷ ساله در ترکیه که جنازه اش در جنگل پیدا شده. زنی که دوست پسر او، به قتل وی اعتراف کرده و گفته که او را ابتدا خفه، سپس جنازه وی را سوزانده و دفن کرده است.

روز سه شنبه ۲۱ جولای، در اعتراض به همین تراژدی دردناک، جمعیت زیادی از زنان ترکیه و مدافعین حقوق زن در شهرهای ترکیه دست به راهپیمایی وسیع اعتراضی زدند و خواستار خاتمه یافتن چنین جنایاتی در ترکیه شدند. اما پلیس ترکیه، پلیسی که کارش محافظت از منافع دولت است، معترضین را مورد ضرب و شتم قرار داده است.

دولتی که روز به روز ماهیت ضد زن آن آشکارتر می شود، بار دیگر نقش اسلام در قدرت سیاسی بعبارتی نقش اسلام سیاسی در ستیزه جویی با زن و تولید و باز تولید فرهنگ ترسناک و منش زن ستیزی را نشان میدهد.

این یک واقعیت آشکار است که هر جا نیروهای اسلامی به قدرت سیاسی دست یافته اند، حمله به مدنیت و انسانیت و حقوق زنان، امر دولت یا حکومت متعلق به آن قرار گرفته. اینجا، هم سرنوشتی زنان خاورمیانه و بطور مشخص زنان کشورهای اسلامزده بیش از پیش مشهود است. زنان زیر ظلم ناشی از قدرت و حاکمیت طالبان و

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

تهیه و تنظیم: عزیزه لطفی



کارزار صدای معترضین آبانماه کارزاری جهانی، برای توقف احکام زندان، شلاق، اعدام و آزادی فوری و بدون قید شرط تمامی دستگیرشدگان آبانماه و دادخواهی خانواده بازداشتیان، زخمی شدگان، مفقودان و جانبختگان معترضین آبانماه است. به این کارزار جهانی پیوندیم. شما هم می توانید با کلیه های کوتاه خود به این کمپین پیوندید و حمایتان را اعلام کنید.

صدور حکم حبس برای بهاره هدایت

بهاره هدایت که در جریان اعتراضات مربوط به سرنگونی هواپیمای اوکراینی توسط نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی دستگیر شده بود، از صدور حکم چهار سال و هشت ماه حبس خود خبر داد. او در صفحه توئیترش چنین می نویسد: "دادگاه مربوط به بازداشت در ۲۱ بهمن ۹۸، هفته پیش در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب برگزار شد و امروز حکم ابلاغ شد. حبس تعزیری".

عُمال به اتهام اجتماع و تبانی، بابت شرکت در تجمع جلوی دانشگاه امیرکبیر در اعتراض به انهدام هواپیمای اوکراین، ۸ ماه به اتهام "تبلیغ علیه نظام، بابت ترسیتها"

پرونده سازها و صدور چنین احکام سنگین زندان برای فعالین و معترضین، در ادامه سیاست ارباب جامعه توسط حکومت به پیش برده می شود. این سناریو سازها و احکام بگیر و ببند و حبس، باید مورد اعتراض قرار گیرند. همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد گردند، پرونده های امنیتی و قضایی باید فوراً مختومه اعلام شود. این خواست فوری ما برای همه فعالین است.

نرگس درم گزین از زندان سپیدار اهواز آزاد شد

نرگس درم گزین، یکی از بازداشت شدگان اعتراضات بهبهان روز جمعه ۳ مرداد با تودیع قرار کفالت ۲۰ میلیون تومانی به صورت موقت و تا پایان مراحل دادرسی از زندان سپیدار اهواز آزاد شد

موافقت با بخشی از خواسته های سهیلا حجاب

موافقت با بخشی از خواسته های سهیلا حجاب و پایان اعتصاب غذای

بازداشت مریم خوش اندام محکوم است

طی روزهای گذشته مریم خوش اندام اهل سمنندج جهت اجرای حکم از سوی نهادهای امنیتی بازداشت و به زندان اوین تهران منتقل شده است. وی با اقدام علیه امنیت ملی متهم شده و جزئیات بیشتری از پرونده و مدت حبس وی در دست نمی باشد. مریم خوش اندام باید آزاد شود.

فاطمه داوند به تحمل پنج سال حبس محکوم شد

فاطمه داوند از فعالین بوکان طی روزهای گذشته از سوی دادگاه انقلاب مهاباد به ریاست قاضی "جواد غلامی" به تحمل پنج سال حبس محکوم شده است. این حکم به اتهام شرکت در تجمعات اعتراضی و همکاری با یکی از احزاب اپوزیسیون حکومت صادر شده است. به گفته یک منبع مطلع، فاطمه داوند باید تا یک ماه دیگر جهت سپری نمودن دوران محکومیت، خود را به اجرای احکام معرفی نماید.

فاطمه داوند، از فعالین جنبش های اعتراضی در بوکان روز شنبه ۲۵ آبان ۹۸ (۱۶ نوامبر ۲۰۲۰)، در حالی که زخمی شده بود، از سوی نیروهای امنیتی حکومت بازداشت شد. وی پس از دو ماه به زندان مرکزی ارومیه منتقل و اوایل فصل بهار و هم زمان با شیوع بیماری کرونا با وثیقه سنگین یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومانی موقتاً و تا زمان برگزاری نشست دادگاه آزاد شده بود.

کارزار صدای معترضین آبانماه

ملیحه جعفری، دانشجوی رشته نمایش عروسکی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران که در آبان ماه امسال و زمان خروج از دانشگاه بازداشت و به شش ماه حبس تعزیری، رونویسی از کتاب های مذهبی و ارائه خدمات عمومی رایگان به مدت دو ماه محکوم شد.

این خدمات میبایست تحت نظر شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام شود؛ همچنین بقیه حکم شامل پژوهش درباره حجاب اسلامی و آثار آن طی ۹۰ صفحه دستنویس تحت نظارت شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده و همچنین رونویسی از سه کتاب میبایست.

اینبار معترضین دیمه ۹۶ خطر اعدام قرار دارند برخیزید و جلوی اعدام معترضین را بگیرید!



بنا به گزارشات منتشر شده حکم اعدام پنج تن از شرکت کنندگان در اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ در خمینی شهر اصفهان، در دیوان عالی کشور تایید شده است. اسامی این معترضین عبارتند از: مهدی صالحی قلعه شاهرخی، محمد بسطامی، مجید نظری کندی، هادی کیانی و عباس محمدی. وکیل یکی از متهمان با تایید این خبر، گفته است که حکم اعدام آنان بهمن ۱۳۹۸ در شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان صادر شده بود. این معترضین به اتهاماتی نظیر "بغی"، "افساد فی الارض" و "محاربه" متهم شده اند. جمهوری اسلامی به روال همیشگی خود برای گرفتن اعتراضات از این معترضین آنها را زیر شکنجه قرار داده است. موضوعی که معترضین در دادگاه نیز به آن اشاره کرده اند.

جمهوری اسلامی به دلیل صدور و تایید حکم اعدام برای سعید تمجیدی، امیر حسین مرادی و محمد رجبی، سه تن از معترضین آبان ۹۸ جواب محکمی از شما مردم گرفت و ناچار شد که اجرای احکام اعدام این سه جوان را متوقف کند. صدور و تایید حکم اعدام پنج تن از معترضین دیمه ۱۳۹۶ نیز باید به همان سرنوشت دچار شود. باید چنان اعتراض کنیم که جمهوری اسلامی مجبور شود این احکام را ملغی و همه معترضین را آزاد کند. کمیته بین المللی علیه اعدام همگان را به یک مبارزه فراگیر و گسترده برای لغو احکام اعدام معترضین، رفع اتهام از آنها و رهایی بدون قید و شرط این عزیزان از زندان فرامی خواند.

ما خانواده های این معترضین را فرامی خوانیم که سکوت را بشکنند، پا پیش بگذارند و با انتشار عکس ها و سرنوشت عزیزانشان از جهانیان و مردم ایران برای نجات این معترضان یاری بطلند. مردم در کارزار نجات معترضین آبان نشان دادند که تلاش برای نجات کسانی که به سبیل جنبش آنها برای آزادی از رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده اند، بی تفاوت نیستند و نجات آنها را امر خود می دانند. نیروی مردمی و اتکا به قدرت شگرف این نیرو تنها سلاحی است که می تواند جان معترضین را نجات دهد.

کمیته بین المللی علیه اعدام

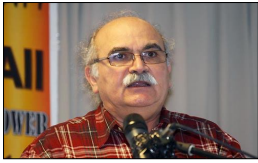
۵ مرداد ۱۳۹۹ - ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۰

تلفن تماس

هرمز راه: ۰۰۶۶۷۳۷۸۹۶۵۰۵

حسن صالحی: ۰۰۶۶۷۰۳۱۷۱۱۰۲

آزادشان کنید! سعید تمجیدی، امیرحسین مرادی و محمد رجبی باید فوراً آزاد شوند



بر حق مردم است. باید این سلاح را از دست جانیان حاکم خارج کرد. امروز محور مبارزه علیه اعدام و حکومت اعدامها در ایران مبارزه برای لغو حکم اعدام سعید تمجیدی، امیرحسین مرادی و محمد رجبی است. دنیا را با پیام "آزادشان کنید" بر سر حکومت اعدامها خراب خواهیم کرد!

سعید تمجیدی، امیرحسین مرادی و محمد رجبی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. آزادشان کنید!

اول مرداد ۱۳۹۹

۲۲ ژوئیه ۲۰۲۰

حمید تقوایی

جمهوری اسلامی تحت فشار اعتراضات مردم در ایران و در سطح جهانی ناگزیر شد اعدام سعید تمجیدی، امیرحسین مرادی و محمد رجبی را موقتاً متوقف کند. اما این تنها گام اول است. اولین گام پیشروی ما مردم و عقب نشینی جانیان حاکم. باید اعتراض و توفان تویتری و اجتماعی را تا آزادی فوری جوانانی که جرمی بجز شرکت در تظاهرات خیابانی ندارند ادامه داد. این عزیزان باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد بشوند. آزادشان کنید!

مردم ایران حق دارند اعتراض کنند، حق دارند علیه شرایط غیر قابل تحمیلی که جنایتکاران حاکم بوجود آورده اند دست به تجمع و تظاهرات بزنند و هیچ نیرویی تحت هیچ بهانه ای حق ندارد معترضین را

تحت تعقیب قرار بدهد و بازداشت کند چه برسد به آنکه آنها را به زندان و اعدام محکوم کند. اعدام در ایران باید برای همیشه متوقف شود! اعدام در همه جای دنیا قتل عمد دولتی است، اعدام همه جا و به هر جرمی جنایت است، ولی در ایران اعدام جنایت مضاعف است. در ایران بیگناهان اعدام میشوند. حتی بر اساس قوانین کشورهایی که هنوز مجازات اعدام در آنها ممنوع نشده، اعدامها در ایران جنایت آشکار است. مجرمین در ایران نه محکومین به اعدام، بلکه محکوم کنندگان به اعدام هستند.

هدف جمهوری اسلامی از اعدامها سرکوب و ارعاب جامعه است. اعدام اسلحه حکومت اسلامی برای مرعوب کردن جامعه و جلوگیری از اعتراضات و مبارزات

برای لغو عملی اعدام در ایران با ما همراه شوید!

به سران جمهوری اسلامی از آنها بخواهند به اعدام ها در ایران پایان دهند. جمهوری اسلامی باید احکام اعدام را فوراً ملغی کند و موجی وقفه اعدامها در ایران را متوقف سازد.

ما از دول جوامع اروپایی که اعدام از قوانین قضایی این کشورها رخت بر بسته است می خواهیم که صریحاً و بدون هیچ تخفیفی به اعدامها در ایران اعتراض کنند و با فراخواندن سفرای جمهوری اسلامی و تصویب قطعنامه هائی در مجامع بین المللی در مخالف با اعدامها در ایران از جمهوری اسلامی بخواهند به اعدام در ایران پایان دهند. میتوان و باید جمهوری اسلامی را وادار کرد که این حربه جنایت و کشتار را کنار بگذارد.

مردم ایران وارد مصافی جدی با جمهوری اسلامی شده اند. مردم ایران این حکومت را نمی خواهند. جمهوری اسلامی جایی در آینده ایران ندارد. آینده ایران از آن مردم است. همراهی شما با مردم به معنای ساختن ایرانی آزاد و برابر و بدون اعدام و ترور است.

کمیته بین المللی علیه اعدام

کمیته مبارزه

برای آزادی زندانیان سیاسی

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۴ مرداد ۱۳۹۹

۲۵ ژوئیه ۲۰۲۰

اعدام پاسخ معترضین در ایران است چرا که سرکوب و اعدام تنها وسیله ای است که می تواند بقای عمر حاکمان ستمگر و دیکتاتور ایران را تضمین کند. اعدام در همه جای دنیا قتل عمد دولتی است، اعدام همه جا و به هر جرمی جنایت است، ولی در ایران اعدام جنایت مضاعف است. در ایران بیگناهان اعدام میشوند. این اعدامها حتی بر مبنای معیارهای جوامعی که در آنها حکم اعدام مجاز است نیز یک جنایت تمام عیار محسوب میشود. مجرمین در ایران نه محکومین به اعدام، بلکه محکوم کنندگان به اعدام هستند.

برای متوقف کردن قطعی اعدام معترضین نوامبر ۲۰۱۹ و همه اعدامهای دیگری که ممکن است در راه باشد تنها راه گسترش اعتراض و مبارزه و افزایش فشار جهانی بر جمهوری اسلامی است. پیشروی و پیروزی این کارزار مستلزم پشتیبانی مردم جهان است. ما از همه شما مردم جهان می خواهیم که در این مبارزه بزرگ با مردم ایران همراه شوید و جمهوری اسلامی را برای لغو حکم اعدام این سه جوان و لغو مجازات اعدام در ایران تحت فشار بگذارید.

ما از همه اتحادیه های کارگری و سازمانهای مدافع حقوق انسان در جهان می خواهیم که با ارسال نامه اعتراضی



برای لغو عملی اعدام در ایران با ما همراه شوید!

صدور احکام اعدام برای سه تن از معترضین نوامبر ۲۰۱۹ (آبان ۹۸) در ایران و بدنبال آن اعتراض میلیونی به این احکام ضد انسانی در شبکه های اجتماعی موبد آن بود که مردم ایران با اعدام مخالف هستند. در برابر جمهوری اسلامی که از روز اول به قدرت رسیدنش به اعدام و آدم کشی متکی بوده است، مردم ایران اعدام را وسیله ای برای سرکوب اعتراضات حق طلبانه خود و ایجاد ارعاب در جامعه می دانند. از نظر میلیونها نفری که هفته گذشته در طوفان تویتری برای نجات معترضین نوامبر ۲۰۱۹ شرکت کردند، اعدام قتل عمد دولتی است و باید ممنوع شود.

مردم ایران رای و تمایل خود را در کمپینی بزرگ برای نجات سه معترض نوامبر ۲۰۱۹ نشان دادند و موفق شدند جمهوری اسلامی را وادار کنند که اجرای حکم اعدام را متوقف کند. این یک موفقیت بزرگ بود ولی هنوز احتمال اعدام این سه جوان وجود دارد. سعید تمجیدی، امیرحسین مرادی و محمد رجبی یعنی سه جوانی که برایشان احکام اعدام صادر شده بود، جرمی جز اعتراض برای داشتن آزادی و یک زندگی بهتر ندارند. اعتراضا خیابانی نوامبر ۲۰۱۹ علیه گرانی، فقر و شرایط غیر قابل تحمل کار و زندگی در ایران بود.

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات

منضمین تعرض به جسم افراد
(نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره)
تحت هر شرایطی ممنوع است.
همچنین مجازات حبس ابد
باید لغو شود.

اطلاعیه های حزب



جدال سخت و هرروزه کارگران نیشکر هفت تپه با مافیای دزدان از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه وسیعاً حمایت کنیم

صبح روز ۶ مرداد کارگران نیشکر هفت تپه در چهل و سومین روز اعتصاب خود بعد از تجمع در مقابل فرمانداری در داخل شهر شوش راهپیمایی کردند. کارگران با شعارهای یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، کارگر می میرد، دلت نمی پذیرد، شرعیتی حیا کن، خوزستان را رها کن صدای اعتراض خود را به دزدی ها و اختلاس و پاسخ ندادن به خواستهایشان بلند کردند.

اعتصاب و اعتراضی هماهنگ در بخش های مختلف نیشکر هفت تپه در جریان است. در حالیکه کارگران آبیاری در زمین ها مشغول کارند و در حفظ زمینهای نیشکر هفت تپه از دست چپاولگران تلاش دارند، باقی کارگران در تجمعات مقابل فرمانداری و رساندن صدای اعتراضشان به جامعه جانانه ایستاده و مبارزه را جلو میبرند. روز گذشته حدود ۸۰۰ کارگر آبیاری با تجمع در دروازه ۷۰۴ راهی شرکت شدند و بعد از بررسی متوجه شدند که سید احمد قوس و شجاع کعب زمینهای آماده برای کشت را اجاره گرفته و آنها را به اجاره مردم گذاشته اند. در این روز یکی از کشاورزان که زمین ۷۱۰ را اجاره کرده، از واریز کردن پول به حساب این دو نفر خبر داده است. در این روز کارگران آبیاری جلوی این واگذاری ها را گرفته و زمینها را بازپس گرفتند.

با روشن هر روز بیشتر اختلاسها و حاتم بخشی ثروتها و زمینهای شرکت نیشکر هفت تپه، توطئه نابودی شرکت که کارگران مدام در مورد آن هشدار داده اند واضح تر جلوی چشم قرار میگیرد. به گفته کارگران سرخ این دزدی ها به مسئولان رده بالای حکومتی میرسد و دست بسیاری از آنها به این توطئه آلوده است. در این چپاولگری ها زندگی و معیشت ۵ هزار کارگر به بازی گرفته شده است.

به گفته کارگران کعب عمیر نماینده مجلس اسلامی کسی است که در جلسه ای در وزارت کار پیشنهاد دادن فرصت سه ماه برای تکمیل طرح به اسد بیگی و اختصاص یک میلیارد و نیم دلار به او را داده بوده است. در این میان کلی رشوه بین هر کدام از دست اندر کاران داده شده و چنین مافیایی پرورده شده است. از جمله رشوه سه میلیارد تومانی اسد بیگی به جعفری چگنی رئیس دادگستری شوش و حسینی پویا دادستان استان خوزستان است.

در همین راستا زمزمه های بر سر کار آمدن کیومرث جعفرپور به عنوان مسئول حراست و هرمز

کاهش به عنوان مسئول امور مالی کارگران را به شدت خشمگین کرده است. بنا بر خبر ها کیومرث جعفر پور پسر خواهر جعفری رئیس دادگستری شوش است که توسط اسد بیگی در سال ۹۸ با حقوق ۱۳ میلیون تومان در ماه استخدام شد. او بارها مشاهده شده است که از کارگران اعتصابی و معترض در حال عکس و فیلم گرفتن بوده و گفته میشود که به جعفری ارسال کرده است. هرمز کاهش نیز یکی دیگر از اعضای مافیای دزدی است و یک کارش درست کردن بیلان مالی جعلی برای اسدبیگی جهت دریافت ارز و همچنین فروختن آنها در بازار آزاد بوده است.

کارگران نیشکر هفت تپه با رو کردن همدستی تانک این دزدان و اختلاسگران در همدستی دولت و قوه قضایی علیه کل این بساط دزدی و چپاول ایستاده اند و برای حفظ امنیت شغلی و زندگی و معیشتشان می جنگند.

به گفته کارگران هنوز حقوق فروردین تعدادی از کارگران فصلی واریز نشده. خواست کارگران اعتصابی هفت تپه پرداخت کامل طلبهای همه بخش های کارگران در این شرکت است. یک اعتراض دیگر کارگران به بازگرداندن شدن مدیران قبلی و بازنشسته به کار است که در راستای اجرای همان پروژه حاتم بخشی زمین های کشاورزی و به تدریج به تعطیلی کشاندن کامل نیشکر هفت تپه است. کارگران اعتصابی و تجمع کننده در برابر فرمانداری از همکاران خود در داخل شرکت خواستار معرفی این افراد در تمام بخش ها و جلوگیری از ورود آنان به کارخانه شده اند. کارگران میگویند اگر پول نیست اینهمه مدیر بازگردانده به کار چگونه تامین میشوند؟ کارگران اولتیماتوم داده اند که اگر کار آنها خاتمه نیابد خودشان جلوی آنها را خواهند گرفت.

حرف آخر و اصلی کارگران اینست که هیچ شکلی از خصوصی سازی را قبول نمیکنند. "خصوصی" نیز همان خصوصی سازی و واگذاری شرکت به دست عوامل دولتی است و گذاشتن کلاه دیگری بر سر کارگران است. آنها همچنین واگذاری هفت تپه به تامین اجتماعی که خود کانون اختلاسها بوده و به ورشکستگی رسیده است را قبول ندارند. با واگذاری سهام شرکت و به حراج گذاشتن سهام آن و به راه انداختن دکان دیگری از اختلاس و دزدی نیز موافق نیستند. آنها خواستار دولتی شدن با نظارت کارگران هستند. کارگران نیشکر هفت تپه با قدرت شورایشان و اراده جمعی شان مقابل این دزدبازار متحدانه ایستاده و از نظارت خود کارگران بر شرایط کار و شغلشان سخن میگویند.

آنچه در نیشکر هفت تپه میگذرد، داستان زندگی کارگران هپکو، آذرباب، فولاد اهواز، معدن آق دره و بخش عظیمی از مراکز تولیدی تحت حاکم رژیم مافیایی و دزد جمهوری اسلامی است. کل این بساط چپاول و دزدی را باید جارو گردد. کارگران نیشکر هفت تپه درگیر مبارزه ای سخت و دشوارند باید با تمام قوا از مبارزات آنها حمایت و پشتیبانی کرد.

زنده باد همبستگی

با کارگران اعتصابی هفت تپه پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران
۶ مرداد ۱۳۹۹، ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۰

۴۲ روز اعتصاب و اعتراض و حقان مسئولین حکومتی جدال کارگران نیشکر هفت تپه با بساط دزدان و چپاولگران در هفت تپه



روز ۵ مرداد ۴۲ روز از شروع اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه گذشت. ۴۲ روز فریاد، ۴۲ روز طرح خواستها، ۴۲ روز افشاکاری علیه دزدان و مفتخوران. بقول کارگران صدای کارگر هفت تپه به آفریقا و همه دنیا رسید و به گوش مسئولین این حکومت رسید! مسئولین حکومتی با وحشت گوشهایشان را بسته اند و هیچ تلاشی نمیکنند که پاسخ خواستهای بحق کارگران را بدهند. اگر تصور میکنند کارگر خسته میشود و به سرکار باز میگردد، اشتباه مهلکی میکنند. زیرا حتی اگر کارگران خسته شوند قطعاً به همراه همه مردمی که شاهد این جدال هستند، خشم و اعتراضشان علیه حکومت تشدید میشود و عزمشان برای نه فقط نقد کردن طلبها بلکه جارو کردن کل این بساط قلدری و دزدی و چپاول جزمتر میشود.

کارگران ابتدا مقابل فرمانداری تجمع کردند و سپس با فریاد شعارهایشان به سمت بازار راهپیمایی کردند.

در تجمع اعتراضی این روز ابراهیم عباسی از نمایندگان کارگران سخنرانی کرد. او در سخنانش چنین میگوید: "رئیس جمهور اگر درد داشت، ما را می فهمید. آقا صدای ما به آفریقا هم رسید. به آمریکا رسید. به همه جا رسید. رئیس جمهور خودمان نشنید! (خوابا)، فرمانده خودش را زده به کری. استاندار فوتبال نگاه میکنه. میگویند عباسی چه کاری به استاندار دارد. خوب این شرکت را چه کسی داده است. روحانی داده. استاندار داده و امثال فرماندار داده. آقا اگر زورتان به این آقا نمیرسه، شرف داشته باشید و بیایید بگویید که ما زورمان به اسد بیگی نمی رسد تا کارگر تکلیف خودش را بداند. میخواهند ما را بکشند ولی نمیدانند چطور بکشند. می خواهند خودمان بیاییم اینجا و از گرما و کرونا بمیریم که بگویند خودش مرد. بعد نمیکوید کرونا گرفت و مرد. میگوید مشکل زمینه ای داشت. بیماری زمینه ای داشت. این قلبش مشکل داشت. آیا بهداشت شوش یک بار نامه داده که بگه آقا کرونا هست بیا این هم خدمات کارگر؟ بهداشت شوش آیا یکبار یکی آمده بگوید آقا فاصله را رعایت کنید. من که نمیدانم. توفتی درس خواندی که خدمات بدهی. وظیفه ات است که خدمات بدهی پس کجای کار ایستادی؟ بی غیرت!"

هر روز اسناد جدیدی از بساط دزدی و چپاول در این شرکت رو میشود. شخصی بنام هرمز

کاهش که کارش درست کردن بیلان مالی جعلی برای اسدبیگی و مافیای هفت تپه جهت دریافت ارز و همچنین فروختن آنها در بازار آزاد بوده است، اکنون دوباره مدیر امور مالی شرکت شده است. کسی که منقور کارگران است و یک پای دزدی از حق و حقوق کارگر بوده است به مسئولیتی بالا گماشته شده است. یک نمونه از کارنامه این شخص دستکاری در ساعات شیفت کارگران و کم کردن اضافه کاری های آنها بوده است. با بازگشت دوباره او پروژه جدید کم کردن اضافه کاری کارگران نیشکر در دستور قرار گرفته است. او را آورده اند که آخرین چپاولهایشان را در هفته تپه به اتمام برسانند و کار و معیشت کارگران را به نابودی برسانند. کارگران با خشم و با تمام قدرت در برابر این دزدان ایستاده اند. از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه باید وسیعاً حمایت کرد.

زنده باد همبستگی

با کارگران اعتصابی هفت تپه پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران
۵ مرداد ۱۳۹۹، ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۰

اعتصاب و تجمع کارگران نیشکر هفت تپه در چهلین و یکمین روز فرزند کارگرانیم، کنارتان می مانیم

روز ۴ مرداد کارگران نیشکر هفت تپه در چهل و یکمین روز اعتصاب خود ابتدا مقابل فرمانداری تجمع کردند و شعار دادند و سپس به سمت دفتر نماینده مجلس اسلامی راهپیمایی کرده و در آنجا گرد آمدند. در این تجمع کارگران در سخنانشان همچنان بر خواستهای خود از جمله خلع ید از بخش خصوصی تاکید کردند. در تجمع مقابل دفتر نماینده مجلس اسلامی، یوسف بهمنی طی سخنانی از کارگران کشاورزی و آبیاری که در این گرمای تابستان کار میکنند و با کار خود مقابل اجاره دادن این زمینها و تعطیلی شرکت ایستاده اند از جانب همه کارگران تشکر کرد. یک لحظه شور انگیز از حرکت امروز باز خوانی نامه کوتاهی از یکی از فرزندان کارگران هفت تپه بنام فاطمه چشم خاور خطاب به پدران هفت تپه و بچه های هفت تپه بود. او در نامه اش چنین میگوید: "سلام به پدرهای هفت تپه! من میدانم شما چقدر زحمت میکشید. شما خیلی برای بچه ها زحمت میکشید و برای بچه هایتان پول در می آورد که بچه هایتان خوشحال بشوند. الان چند وقت است که ما بچه ها خوشحال نیستیم. بچه ها! وقتی شما به پدرتان میگویید که خوراکی و لباس جدید برایتان بخرند چون حقوق نگرفتند و نمیتوانند برای شما بخرند آنها شرمند شما میشوند. پس بیایید با هم پدران خود را درک کنیم. از طرف فاطمه چشمه خاور". کارگران با کف زدن و شعار دادن نسبت به این نامه ابراز احساسات کردند. این نامه با هشتگ "فرزند کارگرانیم کنارتان میمانیم" در میبای اجتماعی پخش شده است.

۵ هزار کارگر نیشکر هفت تپه با خانواده هایشان نیروی بزرگی هستند و با اعتصاب و اعتراضات پیگیر خود خواستار مطالباتشان هستند.

از صفحه ۷ اطلاعیه های ...

اسناد بر ملا شده جلید از پرداخت رشوه سه میلیارد تومانی اسدیبکی به جعفری چکنی (رئیس دادگستری شوش) و حسینی پویا (دادستان استان خوزستان) حکایت دارد. این رشوه جهت پرونده سازی علیه کارگران، حمایت از او و دارودسته دزد در شورای تأمین شوش و خوزستان، و ارائه گزارشات به نفع اسدیبکی بوده است. این خبر بدنبال خبر انتقال ۷۰۰ میلیون دلار از پولهای به سرقت رفته توسط اسدیبکی به کانادا، فضای اعتراضی در میان کارگران را با خشم بیشتری همراه کرده است. این خبر یک بار دیگر همستی کارفرمایان مفتخور و دزد با مقامات دولتی و قوه قضاییه را بر ملا میکند نشان میدهد که فساد و رانت خوری از بالا تا پایین این سیستم جریان دارد و زندگی و معیشت کارگران را به فقر و نابودی کشانده است.

کارگران نیشکر هفت تپه میدانند که تنها با جمع کردن بساط چپاول و دزدی از شرکت و وارد عمل مستقیم شدن خود کارگران با اتکا، به تصمیم گیری شورایی است که میتوانند جلوی نابودی شغل و زندگی شان را بگیرند. یک خواست فوری این کارگران پرداخت فوری طلبهایشان از محل حسابهای بانکی اختلاسگران هفت تپه و تمديد دفتر چه های بیمه هایشان است. کارگران بر بازگشت به کار همکاران اخراجی خود تاکید دارند. مردم شوش با اشکال مختلف کارگران نیشکر هفت تپه را همراهی و پشتیبانی میکنند. از خواستها و اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه باید وسیع حمایت کرد.

زنده باد همبستگی

با کارگران اعتصابی هفت تپه
پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۴ مرداد ۱۳۹۹، ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۰

اعتصاب و تجمع کارگران نیشکر هفت تپه در چهلین روز بدهی شرکت به تأمین اجتماعی پرداخت شده است

روز سوم مرداد ماه کارگران نیشکر هفت تپه در چهلین روز اعتصابشان مقابل فرمانداری تجمع کردند. کارگران نیشکر هفت تپه خطاب به

همه مقامات دست اندر کاری که در جلسه هفدهم تیرماه بر سر هفت تپه نشست داشتند، خواستار عملی شدن وعده ها شدند. زیر فشار اعتراضات کارگران بالاخره دولت بدهی تأمین اجتماعی را پرداخت کرد. این یک موفقیت برای کارگران است و اکنون حرف کارگران این است که باید فوراً دفتر چه های بیمه آنها تمديد شود. کارگران نیشکر هفت تپه با شعار کارگر هفته ایم، گرسنه ایم، گرسنه ایم صدای اعتراض خود را به گرانی ها و به فقر و بی تأمیني بلند کرده اند و این صدای اعتراض همه مردم است. کارگران نیشکر هفت تپه ۴ ماه دستمزد طلب دارند و خواستار پرداخت تمامی طلبهایشان از محل حساب های مسدود شده اختلاسگران هفت تپه توسط قوه قضایی هستند. خواست دیگر کارگران نیشکر هفت تپه بازگشت به کار اسماعیل بخشی و دیگر همکاران اخراجی شان به سر کار است.

یک اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه به مساله اجاره دادن زمین های کشت این مجتمع کارگری است. بویژه اکنون اجاره دادن زمین های چغندر نیز شروع شده است. اجاره دادن زمینهای نیشکر هفت تپه اقدامی در جهت کوچک کردن این مجتمع بزرگ کارگری است و خود حکومتیان از این شرکت ۵ هزار نفر به عنوان یکی از جنجالی ترین محیط های کارگری نام میبرند. کارگران در برابر این اقدام سازمانیافته مقامات مسئول ایستاده اند و از مردم خواسته اند که این زمینها را اجاره نکنند. در همین راستا آبیاری هفت تپه مقابل اجاره دادن زمین ها ایستاده و با حرکت اعتراضی خود یکی از مستاجران زمین های کشاورزی شرکت که اسمش شجاع دبات ساکن شوش میباشد را ناگزیر به بیرون رفتن از این محل کردند. کارگران به شجاع دبات و دیگر مستاجران اخطار داده اند که حتی اگر زمینها را کشت کنند، مطمئن باشند که برداشتی در کار نخواهد بود و کارگران بدین شکل وارد عمل مستقیم شده و جلوی این چپاولگری را میگیرند.

خلع ید کامل از بخش خصوصی و مافیای چپاولگر حاکم بر هفت تپه و فرستادن موقت یک نفر از طرف دولت به این مجتمع و مدیریت این شرکت تحت نظارت خود کارگران یک خواست مهم این کارگران است. کارگران نیشکر هفت تپه با تصمیم گیری شورایی مقابل تفرقه افکنی ها ایستاده و خواستها و مطالبات خود را به جلو میبرند.

بدنبال درز خبر انتقال حدود ۷۰۰ میلیون دلار معادل پانزده تریلیون و چهارصد میلیارد تومان از پولهای به سرقت رفته اسدیبکی از طریق صرافی به کانادا، فضای اعتراض در میان کارگران نیشکر هفت تپه شدت بیشتری گرفته است. این خبر نشانگر کاذب بودن خبرهایی است که از جانب حکومتیان مطرح میشود و حاکی از مسدود کردن حسابهای باند اسدیبکی است. اکنون انتظار این کارگران از اتحادیه های کارگری و رسانه و وکلا و نهادهای مدافع آزادی و برابری در کانادا اینست که از خواست کارگران نیشکر هفت تپه برای بازگرداندن پولهای به سرقت رفته که سر از کانادا در آورده است حمایت کنند و فشار بیاورند که این پولها به کارگران برگردد. کارگران نیشکر هفت تپه در برابر به تعطیلی کشیده شدن کارخانه که تهدیدی بر کار و معیشت آنهاست، ایستاده اند. از خواستها و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد. حزب کمونیست کارگری تلاش میکند که صدای اعتراض این کارگران در سطح جهانی باشد.

زنده باد همبستگی

با کارگران اعتصابی هفت تپه
پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۳ مرداد ۱۳۹۹، ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۰

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه وارد سی و نهمین روز خود شد همبستگی های مردمی با کارگران اعتصابی گسترش می یابد

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه در سی و نهمین روز خود با اتحاد همه کارگران همچنان به پیش میرود. اما مقامات حکومت جوابی به خواستهای کارگران نمیدهند و کارگران مصممند خواستهای خود را عملی کنند. امروز اول مرداد کارگران نیشکر هفت تپه در روز ۳۹ اعتصاب خود در مقابل درب فرمانداری تجمع کردند و بعد با کف زدن و شعار دادن به سمت بازار راهپیمایی کردند. در این تجمع، کارگران همچون روزهای گذشته از خواستهایشان سخن گفتند و بر ادامه اعتراض تا گرفتن طلبهایشان و خلع ید از بخش خصوصی این بخش چپاول و دزدی در هفت تپه تاکید کردند. این کارگران خواستار بازگشت به کار همکاران اخراجی خود هستند.

یک نگرانی کارگران نیشکر هفت تپه اجاره

دادن زمینهای مسطح شده برای کشت است. بنا بر خبرها بخشی از این زمین ها از طریق مهدی صارمی مهر مدیر قرارداده ها و با هماهنگی صابریان زاده و کریم پور مدیر کشاورزی اجاره داده شده است. کارگران خطاب به مردم خواسته اند که از اجاره این زمین ها که با تلاش فراوان برای کشت تسطیح شده خودداری کنند. اجاره دادن این زمین ها تلاشی از سوی مدیریت برای کوچک کردن نیشکر هفت تپه و بیکارسازی هاست. با این کار کارگران بسیاری شغل خود را از دست خواهند داد.

کارگران نیشکر هفت تپه با اتکا، به مجمع عمومی و تصمیم گیری شورایی شان مبارزاتشان را به جلو برده و در برابر تعرضات دست اندرکاران کارخانه و حکومتی و تفرقه افکنی هایشان متحده اند. اعتراضات این کارگران هر روز ابعاد اجتماعی تری بخود گرفته و با حمایت های مردم همراه میشود. یک نمونه تازه از این حمایت ها از سوی دبستان شهید رجایی در هفت تپه است. محمد امین سعدی مدیر این مدرسه ضمن رسانه ای کردن این خبر اعلام کرده است که کمک میکنند که فرزندان کارگران نیشکر هفت تپه رایگان ثبت نام کنند. بنا بر همین خبر با کمک های مردمی ای که گرفته اند توانسته اند هزینه ثبت نام و بیمه و خرید نوشت افزار کتاب ۹۹ دانش آموز کلاس اولی این دبستان را که از فرزندان کارگران هفت تپه هستند تأمین کنند. او با خبری کردن این موضوع هدف از این کار خود را کمک به کارگران هفت تپه و فرزندان آنان اعلام کرده است تا بدین وسیله بخشی از دغدغه های آنان کاهش یابد. محمد امین سعدی با بیان اینکه ۹۵ درصد از دانش آموزان این دبستان از فرزندان کارگران هفت تپه هستند توضیح میدهد که فعلاً این کمک ها برای دانش آموزان کلاس اول دبستان انجام شده و در تلاش هستند که هزینه ثبت نام بقیه فرزندان کارگران که در مقاطع دیگر این دبستان تحصیل می کنند را هم تأمین کنند. نمونه های دیگری از همبستگیهای مردمی را نیز قبلاً به اطلاع رسانیدیم. همبستگی های مردمی با اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه بسیار مهم است و لازم است هرچه بیشتر گسترش یابد.

زنده باد همبستگی

با کارگران اعتصابی هفت تپه
پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱ مرداد ۱۳۹۹، ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۰



برابری و رفاه همگانی

تلفن و ای میل آدرس تماس با سردبیر
Tel: 00358405758250
E-mail: abdolgolparian3@gmail.com

خواست تأمین
معیشت و رفاه همگانی،
خواستی بر حق و انسانی!
بر افراشتن پرچم تأمین معیشت
همگانی خود یک عرصه مهم
مبارزه برای بزرگ کشیدن حکومت
دزدان و جانیان اسلامی در ایران است.

سرنگون باد حکومت
چپاول و جنایت اسلامی
عزیزتی عظیم مردم در راه است. جنبش
دادخواهی و جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و
کشتن دهمیه، به احکامات اصنام اعتراض
کشتن: از اعتصابات کشاورزان حمایت کشتن، اعتصابات و
تجمعات را گسترش دهید، برای اعتصابات سراسری آماده شویم،
شماره های محلی را مستقیم کشتن، درجا کشته می توانیم.
اوپهان حکومت را مکتوم می دهیم، همه جا و در هر تجمع و
اعتراضی شعار معیشت مردم باید تأمین شود و فریاد بزرگی و
مختهوران را از هر طرف تحت فشار قرار دهیم.

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!